



مفاخر ایران

-
-

اصلاحات فرهنگی امیرکبیر و انتشار «وقایع اتفاقیه»

زندگی شهری و تولید صنعتی، به نشر فرهنگ صنعتی نیاز دارد. بخش عظیمی از آموزش های علمی، در واقع متوجه رشد افکار عمومی و آموزش رفتار صنعتی است که با رفتار ایلی و دامداری سنتی فاصله بسیاری دارد. فرهنگ های کشاورزی سنتی که با همان قالب فکری وارددنیای صنعتی می‌شوند، دچار گرفتاری های جدی در حل مسائل اساسی خودمی شوند.
باین وصف، آموزش عمومی به صورت جدی با اقدامات امیر کبیر آغاز شد. او نشر مطبوعات و دانش را به شیوه های مختلف شروع کرد و تا نزدک بود بر این امر تاکید وافر داشت. به گزارش پایگاه را کت اسناد انقلاب اسلامی، امیر نقش روزنامه‌ها را در توسعه گسترش آگاهی های مردم بسیار اساسی می‌دانست. اهمیت این قبیل اقدامات در آن دوران، زمانی آشکار می‌شود که به این ادعای استعماری که در نوشته سرگور اوزلی، سفیر انگلیس در ایران، منعکس شده‌است، توجه شود: «بعضی ملت ایران را گذاشت تا همین حالت توخوش و بربریت باقی بماند!»

■ **تاسیس و طبع روزنامه**

امیر کبیر برای بالا بردن سطح دانش و بینش جامعه، آشنا کردن مردم باوضع جدید، اطلاع‌یافتن ایرانیان از خبرهای داخلی و خارجی و تعمیم فرهنگ در نقاط مختلف کشور، به راه اندازی روزنامه‌ای به نام «وقایع اتفاقیه» همت گماشت. وجه نظر امیر در روزنامه، «اطلاع‌یافتن دولت از اوضاع جهان و دیگر پرورش عقلانی مردم و آشنا کردن آنها با اوضاع جدید و احوال دیگر کشور ها بود. «روزنامه «وقایع اتفاقیه» در شماره بیست‌وششم خود موضوع «این گونه منعکس کرد: «بعضی مردم تفهیمه و نمی‌دانند که حسن کسایی که روزنامه‌چستی و مصرفش چه می‌باشد؟ یا راهی اشخاص خیار می‌کنند که کاری است که دیوانیان عظام راه انداخته‌اند به جهت منفعت و مداخل ، برخی هم چنین می‌کنند که این روزنامه منصبی است که باید در کسبانی که دیوان اعلی اسامی این معین شده باید برسد و به دیگران نباید برسد، لکن هیچ یک از اینها نیست ... این اخبار چیزی است ... به جهت تربیت خلق و اطلاع آنها از امورات دنیوی و غیره و اخبار دول خارج و منفعت خاص و عام.»

■ **گسترش تر ترجمه و نشر کتاب**

از تمام وسایل برای تنویر افکار مردم کمک می گرفت؛ از جمله، به ترجمه کتاب بسیاری توجه می کرد. گرچه قبل از او نهضت ترجمه در ایران شکل گرفته بود، اما در واقع او بود که آن را گسترش داد؛ چنان‌که برای رفع کمبود مترجم، به هر وسیله‌ای برای ازدیاد این طبقه توسل می جست. امیر کبیر از مترجم سفارت، ژان باودو که کتاب فرانسه و انگلیسی را می‌دانست، درخواست کرد کتاب «چنان‌نمای جدید» را ترجمه کند. این کتاب از جهات مختلف ارزنده و درخور توجه بود؛ چرا که تنها از زمان معنای به فارسی نگارش نیافته بود بلکه تا سال های بعد هم کتابی مانند آن را نتوانستند تدارک ببینند. در آن کتاب، اطلاعات گسترده‌ای در باره وضعیت بیشتر کشورها در زمینه‌های صنوعات، منسوجات، قوای بحری و بری،

روایتی جامع از زندگی و مرگ بنیانگذار القاعده

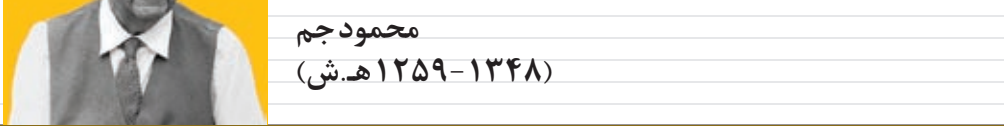
کتاب «اسامه بن لادن، افسانه‌ها یا واقعیت» تألیف محمد سرابی، روایتی از زندگی و مرگ بنیانگذار القاعده است و زندگی‌نامه کامل رهبر القاعده به شمار می‌رود. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، کتاب «اسامه بن لادن، افسانه یا واقعیت» تألیف محمد سرابی از سوی انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده‌است. کتاب در چهارده فصل تنظیم‌شده‌است که عناوین آن عبارت‌نداز: «زیرآفتابان»، «روایه‌هایی از پدرم»، «منشا گونه‌ها»، «کو‌هستان سرد»، «کمونیست‌ها در افغانستان»، «جنگ خلیج فارس»، «اولین کسی که بر خیزد»، «در قلمرو امارات اسلامی افغانستان»، «آتش در شرق آفریقا»، «شروع یک قرن»، «پرواز یازده سپتامبر»، «ده سال فرا»، «خانه سفید» و «میراث اسامه».

■ **رود به شبکه تجارت و قدرت عربستان**

در این کتاب، گذشته اسامه بن لادن، از زمانی که پدر او در سن نوجوانی به شهر جده آمد تا زندگی خانواده‌وی پس از مرگش مرور می‌شود. فصل نخست کتاب، به تاریخ کشور عربستان و کسبانی که در ایجاد هویت و جامعه کنونی آن نقش داشتند، می‌پردازد. یکی از این اشخاص محمد بن لادن پدر اسامه بود. وی درست در زمانی وارد شبکه تجارت و قدرت عربستان شد که سلسله سعودی در حال شکل‌گیری و محکم کردن پایه‌های حکومت خود بود. در این بخش از کتاب آمده‌است، «عبدالعزیز بن سعود همیشه قصد داشت، پادشاهی عربستان را به دست بیاورد، زیرا اجداد او چند بار ادعای پادشاهی این کشور را داشتند، اما هر بار در جنگی شکست خورده و حکومت خود را از دست داد. «عبدالعزیز در سال ۱۹۰۲ حکومتش را تصرف کرد و از سال ۱۹۲۲ حوزه تسلطش را تا کل منطقه نجد گسترش داد. عبدالعزیز در سال ۱۹۲۵ توانست شریف حسین را شکست دهد و با اضافه شدن حجاز به مناطق تحت سلطه او، حاکم جزیرالعرب شد. چند سال بعد در ۱۹۳۲ زمانی که توانست تمام مخالفانش را از سرال برادر و دولت عثمانی هم تسلطش بر کشور های عربی را به دلیل شکست خوردن از انگلیس و فرانسه از دست داده بود، مانعی برای اعلام موجودیت یک کشور جدید نبود. وی این کشور را به نام جدش نامگذاری کرد.»

■ **حمله یازده سپتامبر**

خانواده بن لادن ترکیب گوناگونی داشت و در بین فرزندان، اسامه به ظاهر از همه مذهبی‌تر بود. برادرانش به سرگرمی های جدید و زندگی در کشورهای غربی علاقه داشتند اما او تنها فعالیت های سنتی را انجام می‌داد؛ چنان‌که توانست کثرت نیز او را با رفتار های مذهبی به یاد می‌آورد؛ «اسامه اگر چه همراه دوکان گدا خانواده بزرگ شد اما از آنان فاصله داشت. در سال های نوجوانی و زمانی که دیگران به دنبال کشف تفریحات جدید بودند، وی خود را به آداب مذهبی مشغول می‌کرد. نوجوانی، زمانی بود که اندیشه‌های جنگ طلبانه به ذهن او هجوم آورد و



ملقب به «مدیر الملک»، از رجال سیاسی دوره قاجار و پهلوی اول بود. او از اعضای کمیته ز گنده محسوب می شد که در به قدرت رساندن رضاخان نقش مهمی داشت. محمود جم بعدها در زمر مشاوران رضاخان قرار گرفت و در دوره حکومت او به مناصب مهمی مانند، استانداری خراسان، وزارت کشور و در نهایت نخست‌وزیری رسید.
قانون «کشف حجاب» در دوران نخست‌وزیری محمود جم اجراء شد.

تجدد رضاخانی و «کشف حجاب»

■ **شیفتگان تجدد و رضاخانی**

در این میان، بودند افرادی که در لباس روشنفکری، بر خوسته‌های دیکتاتور و شیوه‌ی در اجرای آنها، مَهر تأیید می‌زدند؛ و روشنفکرانی که غایت آمالشان را در فرهنگ غرب جست‌وجو می‌کردند و مانند «میرزا ملکم‌خان»، معتقد بودند برای ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه، باید «از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد». بخشی از این روشنفکران را، تحصیل‌کردگان از فرنگ برگشته‌ای تشکیل می‌دادند که پس از بازگشت از اروپا، شیفتگی و دلبستگی نسبت به فرهنگ غربی را در قالب دفاع و همراهی با دیکتاتور برای اجرای تغییرات فرهنگی و اجتماعی، بروز می‌دادند. البته سابقه چنین تمایلاتی، به سال‌ها پیش از کشف حجاب و در واقع، به نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطیت بازمی‌گردد. پیش از به‌قدرت رسیدن رضاخان، «ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای» یکی از روشنفکرانی بود که به همراه همسرش، «شهناز رشیده»، دست به انتشار نشریه‌ای به نام «نامه‌بانوان» زد که مطالب آن، در راستای ترویج بی‌حجابی بود. به نوشته سینی نقاشی «در کتاب پلیس خفیه ایران»، «آزاد مراغه‌ای» پیش از انتشار این نشریه، انجمنی مخفی را به نام «مجمع کشف حجاب»، در سال ۱۲۹۹ به‌شرف پیش از کودتای سوم اسفند، تشکیل داده بود. به ادعای نویسنده نشریه «اطلاعات هفتگی»، مورخ ۲۸ خردادماه سال ۱۳۲۵، اقدامات و تحرکات «آزاد مراغه‌ای» برای ترویج بی‌حجابی بی‌بندوباری، با اعتراضات گسترده‌ای روبه‌رو شد و او را ۴ بار روانه زندان کرد. به گفته «سعید نفیسی»، «آزاد مراغه‌ای»، بعدها، وجود محدودیت‌هایی که برای انتشار نشریه داشت، دست از ترویج بی‌حجابی برداشت و با به‌قدرت رسیدن رضاخان سپس، اجرای سیاست‌های ضددینی وی، «آزاد مراغه‌ای» یکی از مدیحه‌سرایان و مدافعان جدی فعالیت‌های دیکتاتور بود. گروه دیگری از مدافعان سیاست‌های ضددینی پهلوی اول، وابستگان به فرقه‌های ضاله، مانند «ازلی» و «بهائی» بودند که در سایه شرایط ناشی از تسلط رضاخان بر کشور و تضعیف حوز‌های علمیه، رشد و بقای خود را در پیوند با رژیم پهلوی و همراهی با آن در اجرای سیاست‌هایش می‌دیدند؛ و یورگی که با دیدگاه‌های منحرفانه آنها در باره دین و فرهنگ مردم ایران نیز، همخوانی داشت. «فخر آفاق پارسا» و شوهرش، «فرخ‌دین پارسا»، یک نمونه قابل بررسی در این زمینه هستند. این دو که از اعضای فرقه ضاله به‌هائیت بودند، در سال‌های نخست حکومت پهلوی، به مشهد کوچیدند و در این شهر مذهبی، دست به انتشار مجله‌ای برای بانوان زدند که عموماً مروج فرهنگ ضد دینی بود. نظیر چنین اقدامی، توسط «صدیقی دولت‌آبادی» در اصفهان انجام شد. او که اعضای خانواده‌اش، عموماً از گردانندگان تشکیلات «ازلی» در ایران محسوب می‌شدند، با انتشار روزنامه‌ای به نام «زبان زنان» در پی گسترش به اصطلاح تجدد در میان بانوان ایرانی بود.

■ **ممنوعیت عزاداری**
رضاخان برای مقابله با فرهنگ دینی تنها به کشف حجاب اکتفا نکرد. «حسین مکی»، مورخ معاصر از فعالان نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، در بخشی از کتاب تاریخ بیست‌ساله ایران می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۵ [ه‍.ش] در ماه محرم، از طرف دولت، از سرن اصناف و بنگاه‌ها اجبار خواسته می‌شد که کارناوال [کاروان شادی] به راه بیندازند و سال ۱۳۱۹ [ه‍.ش]، روز کارناوال مصادف با دهه اول ماه محرم بود و شب قتل [عاشورا]، کارناوال مفصلی [به مناسبت] روز تولد رضاشاه به راه‌انداختند که در کامیون‌ها، عده‌ای عمه طرب و فواحش را جمع کرده بودند که با پایکوبی و رقص بپردازند. این عمل در نظر مردم بسیار، سواثر داشت.»

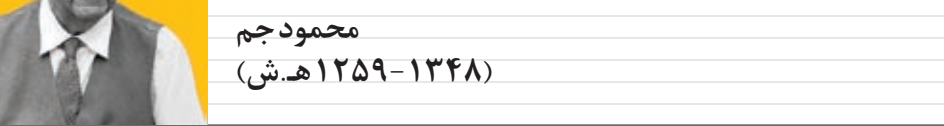
گزارش تاریخی



دکتر اشناپدر (فروسط) در میان تعدادی از درباریان و اطبای خارجی مقیم ایران

پنجم شعبان ۱۳۱۹ بر حسب دعوت وزیر علوم به مجلس شورای عالی دولتی معارف می‌روم بی آنکه از پیش بدانم همکاران من در آن مجلس چه اشخاصی خواهند بود. اعضای این مجلس از ایرانیان، وزیر علوم …، مخبر، دکتر اشناپدر طبیب شاه، مسیو هینپینگ [هنیپک] مشاور عدلیه، مسیو واشر، رئیس مدرسه فلاح ت … مدت اقامت اشناپدر در ایران، دوازده سال بود. منبع: *مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*

فراخوان تجدید مناقشه عمومی یک‌مرحله‌ای (نوبت دوم)	
 شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی در نظر دارد مناقشه عمومی خرید لوله‌های فولادی سیاه درزدار برای شهرک‌های صنعتی تربت جام، مشهد، کاشمر، سبزوار، قوچان، خيام نيشاپور و نواحی صنعتی نصرآباد، میان‌جلگه، کوثر گناباد و رشتخوار با مشخصات زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقض از دریافت اسناد مناقضه از وبسایت www.setadiran.ir انجام مجامت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام مجامت و لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقشه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقضه در سامانه ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ می‌باشد. آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقضه از سایت: ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۲	
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۳	
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۴	
اطلاعات تماس شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقضه و ارائه پاکت‌های (الف): مشهد، بلوار خيام، بعد از خيام ۳۵ تلفن: ۳۷۶۴۲۰۰۵ ۳۷۶۴۲۰۳	
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۲۷۳۱۱۳۱۲ ۰۲۱-۲۷۳۱۱۳۱۲۷	
مختصات: لوله‌های فولادی سیاه درزدار جهت جدار و لوله آید‌ه‌چا به طول تقریبی ۱۰۰متر و سایزهای ۴، ۱۲، ۱۴ و اینچ مدل تحویل: شهرک‌ها و نواحی صنعتی مذکور	
محل تحویل: ۳ام	
تضمین شرکت در مناقضه: یکصد و نه میلیون و پانصد هزار ریال به صورت تضامین قابل قبول مربوط مدرج در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۲۰/۱۳۳۴/۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲	
شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی	



«صدرالاشراف»، یکی از رجال سیاسی مشهور دوره قاجار و پهلوی که مناصب متعدد و از جمله، مدتی استانداری خراسان را عهده‌دار بود، در خاطراتش می‌نویسد: «زن‌هایی که زیاد مقید به حجاب بودند، از خانه بیرون نمی‌آمدند، چه آن‌که در اتوبوس، زن با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر، پاسبان‌ها از اهانت و کنک‌زدن‌زن‌هایی که چادر داشتند، با نهایت بی‌بروبایی و بی‌رحمی، فروگذار نمی‌کردند. بعضی از مأموران، به خصوص در شهرها و دهات، زن‌هایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود، از سر آنها کشیده، پارچه‌های می‌کردند و اگر زن فرامی‌کرد، او را محترماً می‌زدند و معتقدند که قیام مسجد گوه‌ر شاد و گوه‌ر شاد که نسبت به رویکردهای این رویکرد رضاخان را باعث آشکار شدن شکاف عمیق میان حکومت و مردم می‌دانند و معتقدند که قیام مسجد تاریخ اعتراضات مردمی دوره پهلوی اول محسوب می‌شود.

■ **مقاومت‌های مردمی**

به اجرای کشف حجاب، محدودیت‌هایی که مردم باید برای تحقق خواسته‌های‌شان تحمل می‌کردند، افزایش یافت. بسیاری از بانوان متدین، حاضر به خروج از خانه‌هایشان نشدند و در خانه ماندن را به‌تن در دادن به بی‌حجابی و ترک واجب دینی، ترجیح دادند. مأموران رژیم، برای اجرای سیاست‌های شاد و با دستور اکید او، با خشونت عمل می‌کردند و از هیچ توهین، تحقیر و تعرضی نسبت به بانوان محجبه، خودداری نمی‌کردند. «محسن صدر»، معروف به

چگونه تدریس زبان فرانسه در ایران اجباری شد؟

نفوذ به بهانه طبابت

دکتر «ژان ائین‌ژوستن اشناپدر»، پزشک اتریشی الاصل و اهل آلزاس، از اطبای ارتش فرانسه بود که در ۱۳۱۰ ه‍.ق به عنوان پزشک کامران میرزا نایب السلطنه، استخدام شد. اشناپدر مدت پنج سال از کارمندان اداره کل «حفظ صحت» و وزارت جنگ فرانسه محسوب می‌شد و مسئولیت سازمانی او، رسیدگی به امراض بایایی بود. از دیگر فعالیت‌های او قبل از سفر به ایران، عضویت در «انجمن حافظ الصحه» پاریس، «انجمن اعانه جنگی» در پاریس، «عضویت در انجمن طب و جراحی» برلین، عضویت در «انجمن حفظ الصحه لندن» و «انجمن طب و جراحی مسکو» بود. این عضویت در مجامع متعدذپزشکی، به تجربیات اشناپدر درباره بیماری‌های واگیردار و مسری افزود. شرط کامران میرزا برای استخدام دکتر اشناپدر این بود که تنها سرکارش با شخص نایب السلطنه باشد. دکتر بر اساس اراداد منعقد شده میان ایران و فرانسه، خود اشناپدر با دستمزد سالانه دو هزار و چهار صد تومان حق مرخصی و سفر، راهی ایران شد. دکتر تلوزان فرانسوی، در این هنگام، پزشک ناصرالدین‌شاه بود. محمدحسین خان اعتمادالسلطنه درباره نخستین ملاقات خود با دکتر اشناپدر می‌نویسد: «اشناپدر، نام حکیم فرانسوی [است] که نایب‌السلطنه به سالی دوهزار تومان، برای خودش اجیر کرده [است] و [به واسطه تلوزان، به حضور رسید. شخص بلندقامت [و] خوشرویی است و زیاده‌چهل سال و دوستش نرفته‌است. تا بیینم این شخص چند نفر از ما‌ها را خواهد کشت.» دبیینی اعتمادالسلطنه خیلی زود جای خود را به مناسبات دوستانه داد و هنوز چند ماهی از حضور این طبیب فرانسوی نر نایب‌السلطنه نگذشته بود که با تلاش اعتمادالسلطنه، به مقام طبیبی شاه رسید. در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه، سمت اشناپدر در مقام پزشک شاه تمدید شد و در ضمن، دامنه فعالیتش گسترش یافت. دستمزد ماهانه او برای طبابت شاه، مبلغ دوهزار و دویست و پنجاه فرانک تعیین شد. اشناپدر یک سال بعد از استخدام،

